

زیرساخت‌های شهری، قربانی آتش بی‌فرهنگی

سپهرغرب، گروه شهر – عباس سربشی:

وارد آوردن خسارت به زیرساخت‌های شهری جدا از نمایش بی‌فرهنگی، جرمی آشکار و قابل پیگرد و مستوجب مجازات قانونی است.

کارشناسان معتقدند با وجود افزایش جمعیت شهرها و تعداد خودروها، اما عوامل انسانی نقش بسیار مهم‌تری در بروز حوادث رانندگی دارند؛ گو اینکه همیشه نیز در بروز یک تصادف با سه‌ضلعی متشکل از خودرو، انسان و راه مواجه هستیم. اما براساس داده‌های آماری این عابران پیاده هستند که بیشترین سهم و مهم‌ترین نقش را در بروز سوانح و حتی ایجاد ترافیک دارند.

ازجمله مهم‌ترین تخلفات مربوط به عابران پیاده نیز می‌توان به بی‌توجهی به خط‌کشی، استفاده نکردن از پُل عابر پیاده، بی‌توجهی به چراغ قرمز، ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو و غیره اشاره کرد و شاید به همین دلایل بسیار ساده است که امروزه درحالی که تصادفات رانندگی هشتمین عامل مرگ‌ومیر در دنیا محسوب می‌شوند، اما همین موضوع در کشور ما دومین سطر فهرست مرگ را به خود اختصاص داده؛ بدین‌معنا! که حدود ۳۰ درصد مرگ‌ومیر افراد در ایران متأثر از تصادفات رانندگی است.

البته در تحلیل دیگر و برعکس تصور عموم، این‌گونه عنوان می‌شود که حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد مشکلات ترافیکی شهر نیز مربوط به عابران پیاده است که هنگام عبور از عرض خیابان‌ها و تردد در معابر، توجه کافی به محیط ندارند؛ این درحالی است که همه کاربران ترافیکی چه در مقام راننده و چه عابر باید ضمن آشنایی به وظایف خود، آن‌ها را نیز رعایت کرده تا یک ترافیک منظم و ایمن برای شهر به‌وجود آید.

البته در طی ده‌ها سال برای رسیدن به این مقصود در کشورهای مختلف جهان برنامه‌ها، تدابیر و شیوه‌های گوناگونی تعریف شده و به مرحله اجرا درآمده است؛ دراین‌بین پُل‌های عابر پیاده که در قالب عنوان کلی گذرگاه‌های عرضی غیر هم‌سطح روگذر طبقه‌بندی می‌شوند، نمونه‌ای از امکانات مناسب شهری برای تسهیل عبورومرور پیاده همراه با افزایش ایمنی تردد، جلوگیری از حوادث ناگوار و نیز کاهش مشکلات ترافیکی معابر هستند که برحسب اتفاق در سال‌های اخیر هم بسیار مورد توجه قرار گرفته و توانسته‌اند تا نسبت به کاهش حوادث ترافیکی نقش بسیار پررنگ و مؤثری را ایفا کنند. از دلایل اصلی ساخت و نصب پُل‌های عابر پیاده افزایش ایمنی عبورومرور عابران پیاده است؛ زیرا بیشترین افراد در معرض خطر و بیشترین جان‌باختگان در حوادث رانندگی درون‌شهری، عابرین پیاده هستند. ازآنجا که مهم‌ترین هدف طراحی و ساخت پُل‌های عابر پیاده تسهیل تردد عابران پیاده است، فراهم کردن تسهیلاتی مانند پله‌برقی و بالابرها برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از پُل‌ها امری ضروری است.

درواقع با توجه به اینکه استفاده از پله‌های معمولی برای افراد سالخورده، کودکان، بیماران و معلولان و غیره سخت بوده و موجبات مشکلات ترددی شده و متعاقباً بروز سوانح را برای این گروه بیشتر می‌کند، بنابراین مکانیزه کردن پُل‌های عابر پیاده در همه سطح شهر یکی از ضرورت‌های امروز مدیریت شهری به‌شمار می‌رود که البته بار مالی بسیار هنگفتی را نیز چه درخصوص خرید و نصب و چه تعمیر و نگهداری بر پشت مدیریت اجرایی شهرها تحمیل می‌کند؛ بنابراین استفاده بهینه و متعاقباً نگهداری و جلوگیری از وارد آوردن هرگونه خسارت به آن‌ها یکی از مهم‌ترین وظایف شهروندی ما بوده و در عین حال این حق را به مدیریت شهری می‌دهد تا با معرفی تخریب‌گران این اموال به مراجع

قضائی، نسبت به مجازات ایشان اقدام کنند.

پُل‌های بی‌استفاده

درحالی که امروزه پُل‌های عابر پیاده متعددی به‌منظور بالا بردن امنیت جانی شهروندان در هنگام عبور از عرض خیابان و جلوگیری از اختلاط حرکت سواره و پیاده تعبیه شده‌اند؛ اما متأسفانه هنوز داستان گذر بسیاری از عابران پیاده از عرض خیابان آن‌هم درست زیر پُل هوایی در شهرها به امری عادی بدل شده، افراد زیادی اعم از زن و مرد، پیر و جوان و غیره بی‌توجه به آنچه برای تسهیل امور روزمره و تأمین امنیتشان با صرف هزینه‌های کلان ساخته می‌شود، به‌صورت گسترده در سطح خیابان‌ها درحال رفت‌وآمد هستند.

درواقع نادیده انگاشتنن پُل‌ها معضلی است که از یک‌سو متولیان و مدیران شهری را که با صرف وقت زیاد و تأمین بودجه احداث آن‌ها را برعهده گرفته‌اند، دلسرد و از سوی دیگر رانندگان و درنهایت خود عابران را گرفتار مشکلات و حوادث جانی و مالی



می‌کنند. البته بسیاری از شهروندان ما دلیل اصلی عدم استفاده از پُل عابر پیاده را وجود مشکلاتی از قبیل شکل و ساختار پُل‌ها و فقدان بالابر و یا پله‌برقی، خاموش بودن دامن‌ی پله‌ها و آسانسورها، عدم تعمیر تجهیزات، بسته بودن درب راهروها، دور بودن از محل کار و سکونت و حتی بعضاً نالایمن بودن آن‌ها عنوان کرده‌اند که سبب می‌شود تا بسیاری از ایشان حتی با وجود میل باطنی نتوانند و یا نخواهند که از پُل‌ها استفاده کنند.

طرح این موضوعات بدین‌معنا است که انتخاب عابران در استفاده یا عدم استفاده از پُل‌های روگذر رفتاری تصادف نیست، بلکه در طول زمان و تحت عوامل مختلفی اعم از فردی، اجتماعی، فرهنگی و غیره شکل می‌گیرد و این تصور وجود دارد که بخش قابل‌تأملی از معضل و مسئله مذکور جدا از بحث فرهنگ‌سازی به موضوع جانمایی، شیوه و طرح ساخت آن‌ها بازمی‌گردد.

در کشورهای توسعه‌یافته که رفتارهای ترافیکی را یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی می‌دانند، ضمن توجه به بحث ساختار و شکل و شمایل خود پُل‌ها و نیز امکانات آن، از سنین کم با فرهنگ‌سازی روی این مسئله سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ اما در کشور ما این موضوع نه‌فقط در حاشیه‌های بسیار دور قرار دارد، بلکه حتی گاهی به فراموشی نیز سپرده شده، درحالی که وجود پُل‌های عابر پیاده در خیابان‌ها نقطه عطفی برای اطمینان خاطر مخاطبین آن یعنی عابرین و رانندگان و نیز مؤلفه‌ای بسیار مهم در بالا بردن سطح کیفی بهداشت روانی و جسمی در شهرها است.



از منظر کارشناسان با رشد روزافزون جمعیت و شمار خودروها در سطح شهرها، برای افزایش ایمنی عابرین وهمچنین جلوگیری از بروز مشکلات عبورومرور خودروها باید فرهنگ استفاده از پُل‌های عابر پیاده در میان مردم نهادینه شود؛ بدین‌شکل که اطلاع‌رسانی از طریق رسانه، کانال‌های تخصصی در فضای مجازی، اجرای پیام‌های آموزشی در تلوزیون‌های شهری و همچنین نصب تابلوهای تبلیغاتی بر روی پُل‌های هوایی از راه‌های مناسب برای فرهنگ‌سازی و آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی در جهت اصلاح رفتار ترافیکی شهروندان است که باید ضمن توجه به آن‌ها، روزبه‌روز نیز بیشتر شوند.

آتش بی‌فرهنگی در سرمایه ملی

و اما چندسالی است براساس تصمیماتی که مدیریت شهری در رابطه با ساخت پُل‌های عابر پیاده گرفته، سعی شده تا علاوه بر افزایش تعداد و دقت بیشتر در جانمایی، پُل‌های عابر پیاده به‌گونه‌ای ساخته شوند که به‌نوعی مناسب عبورومرور تمام اقشار جامعه اعم از افراد سالم و متعاقباً معلولان، زنان، کودکان و افراد پیر باشند.

بدین‌معنا که با صرف هزینه‌های نسبتاً سنگین سعی بر آن شده تا ضمن تعبیه پله‌های برقی و بالابر جهت مکانیزه کردن پُل‌ها و رعایت استاندارد‌ها، تلاش شود تا مردم احساس امنیت و راحتی بیشتری برای استفاده از این تجهیزات داشته باشند؛ اما با وجود این بازهم نه‌فقط هنوز افرادی هستند که همچون گذشته از عرض خیابان تردد می‌کنند و برتن سطح کیفی بهداشت روانی و جسمی در شهرها کمال تأسف و شرمندگی و به دلایل کاملاً نامشخص



استعمال مواد مخدر، کارتن‌خوابی و برخی اقدامات ضد اخلاقی آشکار...

در کنار این‌همه اقدامات ضد ارزشی همچون داستان نوشتن عبارات، رنگ‌پاشی، نصب پوستر، عدم نظافت، ریختن زباله و یا انداختن وسایل به درون سیستم موتور و ریل‌ها و ایجاد اختلال در کار بالابرها و پله‌ها نیز وجود دارد که جدا از بحث زشت‌نمایی شهر، گاه باعث بروز برخی خطرات و سوانح جانی برای عابران هم می‌شوند؛ درحالی که مرتکبین آن با کمال بی‌وجدانی، بی‌فرهنگی و عدم پشیمانی به‌راحتی از کنار دستاوردهای خود عبور کرده و به یک شهر نیشخند می‌زنند.

موضوع مهمی که نباید از آن غافل شد، توجه به این نکته است که داستان تخریب اموال عمومی و وارد آوردن خسارت به آن‌ها (در همه موارد همچون پُل‌ها، بالابرها، ایستگاه‌های اتوبوس، تابلوها، اتوبوس‌های عمومی و غیره) صرفاً مختص به یک منطقه و یا طیف خاصی نیست و تقریباً بررسی‌های میدانی



گزارشگران روزنامه سپهرغرب بیانگر وجود چنین ناهنجارهایی در کلیت سطح شهر است که می‌تلمذ به هر شکل ممکن و در راستای حفظ بیت‌المال و اقداماتی که نه‌فقط با هیچ عقل و منطقی قابل توجیه و تشریح نیست، بلکه نشانگان واضحی بوده از قانون‌شکنی و بی‌فرهنگی که قطعاً به‌عنوان یک جرم آشکار از سوی نظام قضائی قابل پیگیری و مجازات است.

طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده تاکنون مدیریت شهری میلیاردها تومان از محل اعتبارات دولتی، بیت‌المال، مالیات و غیره صرف خرید، نصب، راه‌اندازی و آماده‌سازی این تجهیزات کرده تا نه‌فقط شهر ما چشم‌اندازی زیبا و توسعه‌محورتر در حوزه ترافیکی و شهرسازی به خود گیرد، بلکه موجباتی نیز فراهم شود تا ضمن کاهش حوادث رانندگی و ترافیک و راه‌اندازن‌های طولانی، افراد کم‌توان و ضعیف، سالخوردگان، بیماران، معلولان، زنان، کودکان و حتی بزرگسالانی که به هر شکل امکان و توان بالا رفتن از پله‌های معمولی را ندارند، بتوانند با زحمت و مشقت کمتری از عرض خیابان‌ها عبور کنند؛ اما با کمال تأسف و در کوتاه‌زمانی پس از نصب و راه‌اندازی این تجهیزات، به‌یک‌باره شاهد تخریب و از رده خارج شدن آن‌ها می‌شویم.

از شیشه‌هایی که با سنگ و چوب و میله‌های آهنی شکسته شده گرفته تا صفحه‌کلیدها و چراغ‌هایی که کنده می‌شوند؛ دامنه این خسارات گاه تا بدان پایه رسیده که برخی وندال‌ها و سارقان با شکستن قفل و دیوارهای این بالابرها و پله‌ها، رسماً سعی در سرقت وسایل داخلی آن‌ها می‌کنند، در برخی موارد نیز راه‌پله‌های برقی محلی می‌شوند برای

تجهیزات خدمات اجتماعی به‌مثابه وسیله تفریح و بازی برای بالا و پایین رفتن و شیطنت‌های دیگر نگریده و ضمن ایجاد بستری برای بروز خطرات جانی بالقوه، متعاقباً موجبات استهلاک زودتر از موعد آن‌ها را نیز فراهم آوردند.

موضوع اینجاست که کودکان غالباً براساس ادراکشان از آنچه دیگران فکر و تأیید می‌کنند، دست به عمل می‌زنند. درواقع قصد آن‌ها در پذیرش رفتار هدف به‌صورت بالقوه متأثر از محیط پیرامونی آن‌ها و به‌خصوص تأیید و یا نهی بزرگسالان است، بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ارائه راهکارهای ارتقای فرهنگ و اشاعه رفتارهای عقلایی بزرگسالان می‌تواند تا بر هنجارهای ذهنی و به دنبال آن تغییر الگوهای رفتاری کودکان تأثیرگذار بوده و سبب کاهش رفتارهای غیر منطقی و آسیب‌زا در آن‌ها شود. موضوعی که درخصوص استفاده درست و عقلایی از پُل‌های عابر پیاده و بالابرها نیز مصداق پیدا می‌کند، اگر فقط بزرگسالان نیز کمی به این ارزش‌ها و هنجارها معتقد و ملزم باشند!

یک نقد دلسوزانه

در مقام قضاوت و نقد منصفانه باید اذعان کرد که نه‌فقط در سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌ها و تلاش‌های بسیار قابل‌تقدیری از سوی مدیریت شهری درخصوص نصب و راه‌اندازی پُل‌های عابر پیاده در گوشه‌گوشه شهر بوده‌ایم، بلکه تلاش در جهت مکانیزه کردن و نصب تجهیزات تردد آسان برای اقشار مختلف (با وجود هزینه‌های بسیار زیاد) نیز از آن‌دست حرکاتی است که قطعاً جای تقدیر و دست‌میزراند ویژه دارد.

بار مالی متأثر از هزینه‌های برق مصرفی، بازآماده‌های دائمی، تعمیرات، نگهداری و یا جبران خسارات واردآمده به این تجهیزات (به‌خصوص در شرایط تحریم و مشکلات اقتصادی کشور) نیز آن‌قدر سنگین و بالا بوده که باعث می‌شود گاهی در قبال خاموشی، عدم کارکرد و یا تأخیر در تعمیر و راه‌اندازی‌ها تجهیزات غیر عملیاتی نیز حرفی برای گفتن نداشته و حق را به مدیران و متولیان بدهیم؛ اما این مطالبه عمومی نیز وجود دارد که گاهی اوقات مدیران در نوع عملکردهای خود ضمن توجه به اهم و مهم‌ها، عدالت توزیعی، نگاه هنری و توجه به استفاده از ظرفیت‌های داخلی و وسایل، مواد و ابزار مقاوم‌تر، کمی نیز جهادی‌تر عمل کرده و کارهای نیمه‌تمام را به حال خود رها نکنند.

تأکید بر انتخاب محل‌های مناسب برای احداث پُل‌های عابر پیاده، استفاده از مصالح مقاوم‌تر، بازدیدهای دوره‌ای، استفاده از نیروهای انسانی برای پایش و نگهداری از این سرمایه‌های ملی و گران‌قیمت، نصب تجهیزات مراقبتی و دوربین (برای شناسایی هنجارشکنان)، رفع نواقص خرد در اسرع وقت و غیره نیز ازجمله موضوعاتی است که عمده همشهریان ما معتقدند باید ضمن توجه به آن‌ها، در ساختار پُل‌ها لحاظ و رعایت شوند.

به همین موازات نیز کارشناسان و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند تا زمانی که موضوع فرهنگ‌سازی انجام و آموزش‌های صحیح به نحو منطقی و مقبول در احساد جامعه نهادینه نشده و یا به فرزندان ما منتقل نشود، ناگزیر این وضعیت کماکان ادامه داشته و باعث تحمیل هزینه‌های ناخواسته و بیشتری بر جوامع خواهد شد؛ بنابراین شاید بهتر باشد که از هم‌اکنون و در گستره‌ای بیشتر از توسعه صنعتی به دنبال تعمیق فرهنگ‌سازی در افراد نیز باشیم، در این خصوص نقش و فعالیت دستگاه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای آموزشی، فرهنگی، قضایی و انتظامی باید به‌مراتب بیشتر و بهتر از گذشته شده و همکاری بیشتری را با مدیریت شهری در دستور کار قرار دهند.



عکس: عباس سربشی